



شماره بیست و چهارم

تابستان ۱۳۹۲

صفحات ۱۷۰-۱۴۹

## ارتقاء گره راست در زبان فارسی

دکتر منصور شهبانی\*

استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان

### چکیده

این مقاله می‌کوشد براساس مطالعات مربوط به ساختار ارتقاء گره راست در سایر زبان‌ها، ویژگی‌های اصلی این ساختار را در زبان فارسی کشف و توصیف کند. این ساختار در زبان فارسی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر ساختارها متمایز می‌سازد: وقوع هسته اصلی ارتقاء گره راست در منتهی‌الیه سمت راست ساخت همپایگی، ناسازه‌ها به‌عنوان هدف ارتقاء گره راست، امکان وقوع این پدیده نحوی در ساخت همپایگی با تمام حروف ربط، امکان جداسازی متمم پرسش‌واژه از پرسش‌واژه و عدم امکان ابقای حرف اضافه در ساختار مزبور، مطابقت فعل در برخی موارد تنها با فاعل همپایه دوم و در برخی دیگر با فاعل هر دو همپایه، وجود رابطه تقابلی بین سازه پیش از هدف ارتقاء گره راست در همپایه نخست و همتای آن در همپایه دوم، وجود مکث پیش از جایگاه حذف و عدم تبعیت این ساختار از برخی از جزیره‌ها. برخی از این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که ارتقاء گره راست حاصل فرایند حرکت نیست.

**واژگان کلیدی:** ارتقاء گره راست، ساخت همپایگی، ناسازه‌ها، تقابل، مطابقه، جزیره

\*mansour\_shabani225@yahoo.com

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسؤل:

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

## ۱- مقدمه

ارتقاء گره راست<sup>۱</sup> که نمونه‌هایی از آن در مثال‌های ۴-۱ عرضه شده‌است، به نوعی ساخت همپایگی اطلاق می‌گردد که در آن بخش‌هایی از همپایه نخست فاقد بازنمایی آوایی‌اند. در حقیقت در ساخت ارتقاء گره راست، همپایه‌ها زنجیره‌ای از عناصر مشترک دارند که در سمت راست‌ترین جایگاه ساخت همپایگی بازنمایی می‌گردند:<sup>(۱)</sup>

(۱) امنیت آمریکا و اروپا مهم، و امنیت بقیه بشریت بی‌اهمیت دانسته می‌شود.

(۲) منافع خود را به نام «قوانین بین‌المللی»، و سخنان تحکم‌آمیز و غیرقانونی خود را به نام «جامعه جهانی» بر ملتها تحمیل می‌کنند.

(۳) در شر آنها تردیدی، و به خیرشان امیدی نیست.

(۴) قریب صد سال دشمنان ما رو به جلو، و ملتهای ما رو به انفعال بوده‌اند.<sup>(۲)</sup>

در تمام نمونه‌های فوق، فعل تنها در حاشیه راست همپایه پایانی بازنمایی شده و فاقد تجلی آوایی در همپایه غیرپایانی است. در مطالعات صورت گرفته درباره ساخت ارتقاء گره راست، زنجیره عناصر مشترک در همپایه نخست تحت عنوان هدف<sup>۲</sup> ارتقاء گره راست و گاهی اوقات هم خلا<sup>۳</sup> نام‌گذاری شده‌است و قرینه آن در همپایه دوم مرجع خلا یا هسته اصلی ارتقاء گره راست<sup>۴</sup> خوانده می‌شود. در مثال‌های ۴-۱، به ترتیب «دانسته می‌شود»، «بر ملتها تحمیل می‌کنند»، «نیست» و «بوده‌اند» عناصر مشترک همپایه‌ها به شمار می‌روند که در همپایه نخست، هدف ارتقاء گره راست قرار گرفته‌اند و در نتیجه فاقد بازنمایی آوایی‌اند؛ و به بیانی دیگر خلائی در این جملات حاصل شده‌است که مرجع آنها در همپایه دوم بازنمایی شده‌است.

این ساخت نخستین بار از سوی راس<sup>۵</sup> (۱۹۶۷) در چارچوب دستور زایشی مطرح و توصیف و تحلیل شد. البته راس از اصطلاح «تقلیل پسرو همپایگی»<sup>۶</sup> در ارجاع به نمونه‌هایی مانند ۴-۱ استفاده می‌کرد و اصطلاح ارتقاء گره راست را نخستین بار پستال<sup>۷</sup> (۱۹۷۴) به کار برد.<sup>(۳)</sup> البته اصطلاحات دیگری نیز برای نمونه‌هایی مانند ۴-۱ وضع

1. Right Node Raising (RNR)
2. target
3. gap
4. RNR Pivot
5. Ross
6. backward conjunction reduction
7. Postal

شده‌اند. برای مثال، ردفورد<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) از اصطلاح همپایگی سازه مشترک<sup>۲</sup> استفاده می‌کند. وجود این تنوع اصطلاحات برای ارجاع به یک ساخت واحد، ناشی از تنوع تحلیل‌های صورت‌گرفته در مورد آن است.

این پدیده زبانی در غالب زبان‌ها، صرف‌نظر از هسته‌آغازین یا هسته‌پایانی بودن آنها، وجود دارد. شایان توجه است که این ساختار بیشتر در صورت نوشتاری کاربرد دارد و کاربرد آن در شکل گفتاری زبان‌ها بسیار نادر است. از آنجاکه صورت نوشتاری زبان فارسی بیشتر از ترتیب SOV بهره می‌گیرد، می‌توان گفت که در ساخت ارتقاء گره راست زبان فارسی اغلب فعل است که در همپایه‌های غیرپایانی، فاقد بازنمایی آوایی است. تحلیل‌های صورت‌گرفته در مورد این ساختار را می‌توان به سه گروه تقسیم‌بندی کرد که عبارت‌اند از: ۱- ارتقاء گره راست به‌منزله حاصل حرکت متوازی؛<sup>۳</sup> ۲- ارتقاء گره راست به‌منزله حاصل حذف در صورت آوایی؛<sup>۳</sup> ۳- ارتقاء گره راست به‌منزله اشراف چندگانه.<sup>۴</sup> در بخش ۳ در مورد این تحلیل‌ها بیشتر سخن خواهیم گفت. هدف اصلی مقاله حاضر بررسی و توصیف ویژگی‌های ارتقاء گره راست در زبان فارسی است و تحلیل ساخت مزبور در زبان فارسی را به پژوهش‌های آتی موکول می‌کنیم.

## ۲- ویژگی‌های ارتقاء گره راست در زبان فارسی

### ۲-۱- جایگاه هسته اصلی ارتقاء گره راست

هسته اصلی ارتقاء گره راست به عناصر مشترک و بازنمایی‌شده همپایه‌ها در ساختار مزبور اطلاق می‌گردد. به‌زعم برخی زبان‌شناسان مانند راس (۱۹۶۷)، وایلد<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) و سَباق<sup>۶</sup> (۲۰۰۷)، جایگاه این عناصر مشترک در لبه<sup>۷</sup> راست ساخت همپایگی است. برخی دیگر مانند هارتمن<sup>۸</sup> (۲۰۰۰)، وینگارد<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) و ها<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۸) فراتر از این دیدگاه،

1. Radford
2. shared constituent coordination
3. across-the-Board movement
4. multiple dominance
5. Wilder
6. Sabbagh
7. edge
8. Hartmann
9. Wyngaerd
10. Ha

استدلال کرده‌اند که هسته اصلی ارتقاء گره راست الزاماً باید در سمت راست‌ترین لبه ساخت همپایگی قرار داشته باشد. وقوع این عناصر مشترک در سایر جایگاه‌ها به نادرستی شدن جمله می‌انجامد. از این‌رو در آرایش SOV (ترتیب غالب در زبان فارسی) مفعول در سمت راست‌ترین جایگاه همپایه نخست واقع نیست و به همین سبب این عنصر نمی‌تواند تحت تأثیر ارتقاء گره راست قرار گیرد. جملات زیر را در نظر بگیرید:

(۵) علی داستان کوتاه — و مریم رمان می‌خواند.

(۶) \*علی — نوشت و مریم مقاله رو ویرایش کرد.

در مثال ۵، عنصر مشترک بین همپایه‌ها، فعل «می‌خواند» است. این عنصر در هر دو همپایه در سمت راست‌ترین جایگاه واقع شده‌است، اما تنها در همپایه دوم و در سمت راست‌ترین جایگاه ساخت همپایگی داری بازنمایی آوایی است. از این‌رو، این مثال کاملاً دستوری به حساب می‌آید. در مقابل، در مثال ۶، عنصر مشترک همپایه‌ها یعنی «مقاله رو» در جایگاه میانی همپایه نخست، تحت تأثیر ارتقاء گره راست قرار گرفته و در جایگاه میانی همپایه دوم بازنمایی آوایی شده‌است. بدین ترتیب، عدم وقوع عنصر مشترک در منتهی‌الیه سمت راست همپایه نخست و عدم بازنمایی آن در سمت راست‌ترین جایگاه ساخت همپایگی، سبب نادرستی شدن این جمله گشته‌است.

## ۲-۲- سازه بودن<sup>۱</sup> یا ناسازه بودن<sup>۲</sup> عناصر محذوف

در بین زبان‌شناسان در خصوص سازه بودن عناصری که تحت تأثیر ارتقاء گره راست قرار می‌گیرند، اتفاق نظر وجود ندارد. از یک سو، افرادی مانند پستال (۱۹۷۴)، برزنن<sup>۳</sup> (۱۹۷۴)، ویلیامز<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) و لارسن<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) ادعا می‌کنند که ارتقاء گره راست تنها بر عناصری عمل می‌کند که تشکیل یک سازه می‌دهند، اما از سوی دیگر، افرادی همچون ابات<sup>۶</sup> (۱۹۷۶)، وایلدنر (۱۹۹۵)، هارتمن (۲۰۰۰)، دومن<sup>۷</sup> (۲۰۰۳)، کلوک<sup>۸</sup> (۲۰۰۷)، وینگارد (۲۰۰۷)،

1. constituency
2. non-constituency
3. Bresnan
4. Williams
5. Larson
6. Abbott
7. Duman
8. Kluck

اینجه<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) و الزیدی<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در مخالفت با دیدگاه نخست استدلال می‌کنند که ارتقاء گره راست علاوه بر سازه‌ها می‌تواند ناسازه‌ها را نیز مورد هدف قرار دهد. این بدان معناست که ارتقاء گره راست از شرط سازه بودن تخطی می‌کند و می‌توان ادعا کرد که یکی از ویژگی‌های بارز این پدیده نحوی خطی بودن آن است. خطی بودن این پدیده نحوی مبین آن است که عناصری که در منتهی‌الیه حاشیه سمت راست همپایه / همپایه‌های غیرپایانی قرار گیرند، صرف‌نظر از سازه یا ناسازه بودن آنها، می‌توانند تحت تأثیر ارتقاء گره راست قرار گیرند. اینکه یک پدیده نحوی می‌تواند هم بر سازه‌ها عمل کند و هم بر ناسازه‌ها، نمایانگر زایا بودن آن در زبان هاست. با مرور مطالعات انجام‌شده در رابطه با ارتقاء گره راست، درمی‌یابیم که ارتقاء گره راست در زبان‌هایی مانند ترکی (نک. دومن ۲۰۰۳ و اینجه، ۲۰۰۹)، انگلیسی (نک. وایلد، ۱۹۹۴)، هلندی (نک. وینگارد، ۲۰۰۷)، آلمانی (نک. هارتمن، ۲۰۰۰) و عربی (نک. الزیدی، ۲۰۱۰)، قادر به تخطی از شرط سازه بودن است. مثال‌های زیر نشان می‌دهند که در زبان فارسی نیز نه تنها سازه‌ها، بلکه ناسازه‌ها نیز می‌توانند مورد هدف ارتقاء گره راست قرار گیرند:

(۷) علی کتاب، و مریم دفتر خرید.

(۸) رشت در شمال ایران، و بندرعباس در جنوب ایران قرار دارد.

(۹) آقای احمدی در دانشگاه، و همسرش در مدرسه تدریس می‌کند.

(۱۰) برخی تحلیلگران غربی معتقدند که تحریم‌ها بر اقتصاد، و تهدیدهای جنگی بر مردم یک کشور تأثیر می‌گذارند.

(۱۱) استان اردبیل سردترین، و استان خوزستان گرم‌ترین استان‌های کشور هستند.

(۱۲) در مدرسه همیشه علی بهترین، و حسین بدترین نمرات می‌گرفتند.

در جملات ۹-۷ از شرط سازه بودن تبعیت شده‌است، زیرا در این جملات به ترتیب فعل‌های «خرید»، «قرار دارد» و «تدریس می‌کند» که هریک، یک سازه نحوی را تشکیل می‌دهند، از همپایه نخست حذف شده‌اند. در مقابل، در جملات ۱۲-۱۰ از شرط سازه بودن تخطی شده‌است. در جمله ۱۰ فعل همپایه نخست (تأثیر گذاشتن) به همراه هسته اضافه و متمم آن (- یک کشور) که بیش از یک سازه نحوی به حساب می‌آیند و

1. Ince  
2. Alzaidi

از ترکیب آنها نیز سازه‌های نحوی شکل نمی‌گیرد، مورد هدف ارتقاء گره راست قرار گرفته‌اند. در همپایه نخست مثال ۱۱ نیز عناصر «استان کشور» به همراه فعل ربطی که آنها نیز با یکدیگر یک سازه نحوی را تشکیل نمی‌دهند، محذوف هستند. آنچه در مثال ۱۲ تحت تأثیر ارتقاء گره راست قرار گرفته، عناصر «نمرات» و فعل «می‌گرفت» در همپایه نخست هستند که مجدداً بیش از یک سازه نحوی محسوب می‌شوند و از ترکیب آنها نیز یک سازه نحوی شکل نمی‌گیرد.

ارتقاء گره راست در زبان فارسی در سطح گروه نیز می‌تواند عمل کند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

(۱۳) نوجوانان و جوانان ایران

(۱۴) مدارس و دانشگاه‌های استان گیلان

وینگارد (۲۰۰۷: ۲۱) با طرح شواهدی از زبان‌های هلندی و انگلیسی نشان می‌دهد که قاعده ارتقاء گره راست حتی قادر به حذف بخش‌هایی از یک واژه است. در جمله‌های مثال ۱۵ قاعده ارتقاء گره راست به ترتیب بخش‌هایی از یک واژه را در زبان‌های هلندی و انگلیسی حذف کرده‌است:

Karl suchte den Ein\_\_\_\_\_ und Heinz suchte den Ausgang (الف) (۱۵)

Karl looked for the in. way and Heinz looked for the out. way

Mark is a predoctoral student, and Carla is a postdoctoral student. (ب)

به نظر می‌رسد که در زبان فارسی امکان عملکرد ارتقاء گره راست در سطح پایین‌تر از واژه ناممکن باشد.

### ۲-۳- ارتقاء گره راست و حروف ربط همپایگی

با قاطعیت نمی‌توان گفت که امکان وقوع ارتقاء گره راست در ساخت همپایگی صرف نظر از حرف ربط آن وجود دارد. الزیدی (۲۰۱۰) با ارائه شواهدی از زبان عربی نشان می‌دهد که وقوع ارتقاء گره راست در ساخت همپایگی این زبان صرف نظر از حرف ربط آن ممکن است. او همان‌جا خاطر نشان می‌سازد که در برخی از زبان‌ها وقوع ارتقاء گره راست در ساخت همپایگی تنها با حروف ربط خاصی امکان‌پذیر است، اما او تنها به ذکر چنین مدعایی بسنده و از بیان شواهد برای حمایت آن خودداری می‌کند. برای بررسی این مسأله در زبان فارسی، مثال‌های زیر را در نظر بگیرید:



(۱۶) در آن زمان علی دانشجو، و مریم دانش‌آموز بود.

(۱۷) امنیت آمریکا و اروپا مهم، اما امنیت بقیه بشریت بی‌اهمیت دانسته می‌شود.

(۱۸) پرسش این است که علی در مورد ماشینش، یا رضا در مورد خانه‌اش لاف می‌زند؟

مثال‌های فوق نشان می‌دهند که در زبان فارسی امکان وقوع ارتقاء گره راست در ساخت همپایگی با هر حرف ربطی (و، اما و یا) وجود دارد. حال این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چرا در برخی از زبان‌ها امکان وقوع ارتقاء گره راست در ساخت همپایگی با هر حرف ربطی وجود دارد، اما در برخی دیگر، وقوع ارتقاء گره راست در ساخت همپایگی تنها با حروف ربط خاصی ممکن است؟ کدام پارامترها و ویژگی‌های خاص زبانی در این امر دخیل‌اند؟ بررسی این مسأله از چارچوب مقاله حاضر خارج است و آن را به پژوهش‌های آتی موکول می‌کنیم.

#### ۲-۴- ابقای حرف اضافه<sup>۱</sup>

مک‌کلوسکی<sup>۲</sup> (۱۹۸۶) با ارائه شواهدی نشان می‌دهد که در زبان ایرلندی<sup>۳</sup> ابقای حرف اضافه از طریق حرکت مجاز نیست، اما ابقای حرف اضافه در ساختار ارتقاء گره راست امکان‌پذیر است. به‌زعم مک‌کلوسکی، ارتقاء گره راست تنها ساختار زبان ایرلندی است که در آن ابقای حرف اضافه مجاز شمرده می‌شود. شایان توجه است که حرکت به سمت راست قادر به ابقای حرف اضافه در زبان ایرلندی نیست.

بشکوویچ<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) و هارتمن (۲۰۰۰) نیز این مسأله را به‌ترتیب در زبان‌های انگلیسی و آلمانی بررسی کرده‌اند. به‌زعم آنها، در زبان‌های انگلیسی و آلمانی ابقای حرف اضافه از طریق حرکت به سمت راست مردود است، در حالی که این ابقا در ساختار ارتقاء گره راست امکان‌پذیر است.

نتایج فوق این دیدگاه را که ارتقاء گره راست حاصل حرکت عناصر مشترک نیست قویاً مورد تأیید قرار می‌دهد. از این‌رو، تحلیل ارتقاء گره راست به‌منزله حاصل حرکت متوازی با شواهد نقضی مواجه است که قادر به تبیین آنها نیست.

1. preposition stranding (P-Stranding)

2. McCloskey

3. Irish

4. Boškovic

در مورد زبان فارسی می توان گفت که در این زبان ابقای حرف اضافه صرف نظر از هر نوع ساختی مجاز نیست. مثال های زیر را در نظر بگیرید:

(۱۹) الف علی در رستوران دانشگاه کار می کند.

ب) \*کجا، علی در t<sub>i</sub> کار می کند؟

(۲۰) \*علی با، و مریم بدون کنکور وارد دانشگاه شدند.

در مثال ۱۹ ابقای حرف اضافه که از طریق حرکت پرسش واژه صورت گرفته، به نادستوری شدن جمله منجر شده است. این مثال نشان می دهد که در زبان فارسی امکان ابقای حرف اضافه در جملات ساده وجود ندارد. افزون بر این، با بررسی مثال ۲۰ که نمونه ای است از ساختار ارتقاء گره راست، می توان ادعا کرد که در زبان فارسی برخلاف زبان های ایرلندی، انگلیسی و آلمانی، ابقای حرف اضافه در ساختار ارتقاء گره راست نیز به نادستوری شدن جمله می انجامد. زبان فارسی تنها زبانی نیست که این ویژگی در آن به چشم می خورد. الزیدی (۲۰۱۰) با ذکر شواهدی از زبان عربی می گوید که در زبان عربی نیز ابقای حرف اضافه، هم در جملات ساده و هم در ساختار ارتقاء گره راست مردود است.

## ۲-۵- جداسازی متمم پرسش واژه از پرسش واژه

ابلز<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نشان می دهد که ابقای متمم نما<sup>۲</sup> از طریق حرکت متمم آن مردود است. برای مثال در جمله ۲۱ حرکت جمله (IP) به عنوان متمم متمم نما سبب نادستوری شدن جمله گشته است، زیرا این حرکت به ابقای متمم نما انجامیده است:

(۲۱) \* [John likes Mary]<sub>i</sub>, Peter believes that t<sub>i</sub>.

در مقابل، امکان جداسازی متمم متمم نما از خود متمم نما در ساختار ارتقاء گره راست وجود دارد (بشکوویچ، ۲۰۰۴؛ پستال، ۱۹۹۸ و ابلز، ۲۰۰۳). مثال زیر مؤید این ادعا است:

I've been wondering whether, but I wouldn't like positively to state that, (۲۲)  
your theory is correct. (ان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۹۳، به نقل از برزنن ۱۹۷۴)

بشکوویچ (۲۰۰۴) نیز مثال مشابهی را مطرح می کند:

1. Abels
2. complementizer stranding
3. An



John asked when, but he didn't ask why, Mary left. (۲۳)

به عقیده ان (۲۰۰۷: ۹۴)، در مثال فوق در این که مشخصاً کدام عنصر ابقا شده است اندکی ابهام وجود دارد، زیرا مشخص نیست در این جمله مشخصگر<sup>۱</sup> گروه متمم نما<sup>۲</sup> ابقا شده است یا مشخصگر گروه متمم نما به همراه متمم نما. از این رو، او اظهار می دارد که اگر فرض کنیم که مقولات میانی<sup>۳</sup> حرکت نمی کنند، آنگاه می توان گفت که جمله IP عنصر مشترک در جمله ۲۳ است و این بدان معناست که متمم نمای تهی ابقا شده است. در زبان فارسی نیز حرکت متمم پرسش واژه امکان پذیر نیست. مثال زیر را در نظر بگیرید: (۲۴)\* این اتفاق افتاد، من نمی دانم چرا t<sub>i</sub>.

اما امکان جداسازی متمم پرسش واژه از پرسش واژه در ساختار ارتقاء گره راست زبان فارسی وجود دارد، چنان که مثال های زیر نشان می دهند:

(۲۵) علی نمی دونه چرا، و مریم هم نمی دونه کی این اتفاق افتاد.

(۲۶) علی نمی دونه کی، و مریم هم نمی دونه چطور اونا اومدند.

در جملات فوق، متمم پرسش واژه از پرسش واژه در همپایه اول جدا شده است. درباره این جملات دو نکته مهم را می توان مطرح کرد: نخست آنکه، در زبان فارسی پرسش واژه در حاشیه چپ جملات فارسی در جایگاه مشخصگر گروه کانون<sup>۴</sup> قرار دارد. از این رو، در این جملات مشخصگر گروه کانون و هسته کانون ابقا شده اند. دوم آنکه، همان طور که پیشتر اشاره شد، حرکت متمم پرسش واژه بدون پرسش واژه مردود است (نک. مثال ۲۴)، اما امکان این جداسازی در ساختار ارتقاء گره راست وجود دارد. بنابراین می توان گفت فرایند حرکت در اشتقاق ارتقاء گره راست دخیل نیست و از این شاهد می توان به عنوان استدلال در رد تحلیل ارتقاء گره راست به منزله حاصل حرکت عنصر مشترک بهره گرفت.

#### ۲-۶- مطابقه<sup>۵</sup>

همان طور که در مقدمه اشاره شد، در مورد ساختار ارتقاء گره راست چند تحلیل مختلف صورت گرفته است. در این بخش با فرض اینکه ارتقاء گره راست در زبان فارسی نوعی

1. specifier
2. complementizer phrase (CP)
3. intermediate categories
4. focus phrase
5. agreement

حذف به حساب می‌آید، به مبحث مطابقه در ساختار مزبور می‌پردازیم. یکی از ارکان اصلی نظریه حذف، تعیین و تبیین شرایط حاکم بر حذف است (وایلدِر، ۱۹۹۵: ۳۱). به عقیده وایلدِر (همان: ۴۷-۴۶)، حذف پسرو مستلزم همسانی صورت واجی<sup>۱</sup> و مشخصه واژی- نحوی<sup>۲</sup> جایگاه حذف و مرجع است، در حالی که در حذف پیشرو، محذوف و مرجع آن ضرورتاً دارای صورت واجی و مشخصه واژی- نحوی همسان نیستند.

شعبانی (۱۳۹۰: ۱۵۹) به تبعیت از وایلدِر و با ارائه جملات مثال ۲۷، اظهار می‌دارد که یکی از شرایط حاکم بر حذف فعل در همپایه نخست زبان فارسی همسانی صورت واجی و مشخصه واژی- نحوی آن با فعل همپایه دوم است:

(۲۷) الف) \* من پرتقال، و علی سیب خورد.

ب) \* من پرتقال، و تو سیب خوردی.

ج) \* تو پرتقال، و علی سیب خورد.

د) ؟؟ من پرتقال، و علی سیب خوردیم.

ه) مریم پرتقال، و علی سیب خورد.

در جمله‌های مثال ۲۷، حذف فعل در همپایه اول رخ داده است. تبیین شعبانی از جملات مثال فوق این است که در جملات الف-ج عدم همسانی صورت واجی و مشخصه واژی- نحوی فعل محذوف و مرجع آن سبب نادستوری بودن جملات گشته است. در جمله ۲۷د، فعل واقع در همپایه دوم با فاعل هر دو همپایه مطابقت کرده است. مشخصه جمع فعل در این جمله حاصل برقراری مطابقه بین فعل و فاعل هر دو همپایه است. او همان‌جا اظهار می‌دارد که این جمله برای بسیاری از گویشوران زبان فارسی دستوری است، اما برخی نیز این جمله را غیرطبیعی قلمداد می‌کنند. در جمله ۲۷ه، همسانی صورت واجی و مشخصه واژی- نحوی افعال همپایه‌ها، حذف فعل در همپایه نخست را امکان‌پذیر ساخته است.

پس از طرح این تحلیل، نگارنده با بررسی بیشتر و با طرح پرسش از گویشوران زبان فارسی پی برد که بسیاری از آنها در نادستوری خواندن جملات الف-ج در مثال ۲۷ و دستوری بودن مثال ۲۷د تردید دارند. از این‌رو، نگارنده مجموعه جملاتی را در اختیار

1. phonological form
2. morphosyntactic feature

سی گویشور زبان فارسی قرار داد و از آنها خواسته شد که در مورد دستوری بودن یا نادرستی بودن آنها قضاوت کنند. در این مجموعه، جملات متنوعی وجود داشتند که براساس دو مشخصه شخص و شمار طراحی شده بودند. هدف از انجام این کار پاسخ‌گویی به این پرسش بود که آیا در ساختار ارتقاء گره راست زبان فارسی، فعل در جایگاه پایانی این ساختار در مشخصه‌های شخص و شمار با فاعل همپایه دوم مطابقت می‌کند یا فاعل هر دو همپایه. علاوه بر این، نگارنده برای پاسخ به پرسش مزبور به چند متن نوشتاری زبان فارسی و متون سخنرانی چند سیاستمدار نیز رجوع کرد. قضاوت‌های گویشوران زبان فارسی نشان می‌داد که گویشوران در دستوری و نادرستی خواندن جملات قضاوت‌های متفاوتی دارند و همین امر نگارنده را در دست یافتن به تحلیلی واحد با مشکل مواجه می‌ساخت. از این‌رو، نگارنده ناگزیر به رویکردی متوسل شد که براساس آن در مواردی که درصد قابل‌توجهی از گویشوران جمله‌ای را دستوری می‌دانستند، آن جمله دستوری تلقی می‌شد، و از سوی دیگر، هرگاه درصد قابل‌توجهی از گویشوران جمله‌ای را نادرستی تشخیص می‌دادند، آن جمله نادرستی شمرده می‌شد و یا دست کم درجه دستوری بودن آن بسیار ضعیف دانسته می‌شد. در کنار این، از متون نوشتاری نیز برای تأیید قضاوت‌ها بهره گرفته شد.

نتایج نشان می‌دهد که در موارد بررسی شده، فعل تنها با فاعل همپایه پایانی به لحاظ شخص و شمار مطابقت دارد. از این‌رو، به نظر می‌رسد که دیدگاه وایلدنر (۱۹۹۵) و شعبانی (۱۳۹۰) در مورد همسانی صورت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی ارتقاء گره راست به لحاظ تجربی دارای اشکال باشد و در ساختار ارتقاء گره راست زبان فارسی همسانی صورت واجی و مشخصه واژی- نحوی جایگاه حذف و مرجع، شرط ضروری به حساب نمی‌آید. به جملات زیر که تشخیص دستوری بودن و نادرستی بودن آنها به عهده گویشوران زبان فارسی بوده‌است، دقت کنید:<sup>(۴)</sup>

(۲۸) الف) علی کتاب، و مریم دفتر خرید.

ب) من کتاب، و علی دفتر خرید.

ج) علی کتاب، و من دفتر خریدم.

(۲۹) الف) علی کتاب، و مریم دفتر خریدند.

ب) \*من کتاب، و علی دفتر خریدیم.

ج) \*علی کتاب، و من دفتر خریدیم.

- (۳۰) الف) استادان پژوهش، و معلمان تدریس دوست دارند.  
 ب) استادان پژوهش، و ما معلمان تدریس دوست داریم.  
 ج) ما استادان پژوهش، و معلمان تدریس دوست دارند.  
 د) \*ما استادان پژوهش، و معلمان تدریس دوست داریم.  
 (۳۱) الف) ما پژوهش، و علی تدریس دوست دارد.  
 ب) \*ما پژوهش، و علی تدریس دوست داریم.  
 ج) علی تدریس، و ما پژوهش دوست داریم.

در جملات الف-ج از مثال ۲۸، فعل تنها با فاعل همپایه دوم مطابقت کرده‌است و تمام این جملات دستوری تشخیص داده شده‌اند. در مقابل، در جملات الف-ج از مثال ۲۹، مطابقت بین فعل و فاعل هر دو همپایه انجام شده‌است. همین امر درجه نادرستی بودن جمله ۲۹ الف را افزایش داده و نادرستی بودن جملات ۲۹ الف و ب را سبب گشته‌است. در مجموع جملات مثال ۳۰، فاعل جمع در هر دو همپایه وجود دارد. تنها ۳۰ نادرستی به حساب می‌آید، زیرا در این جمله مطابقت بین فعل و فاعل همپایه دوم صورت نگرفته‌است. در سایر جملات این مثال، فعل با فاعل همپایه دوم مطابقت کرده‌است، لذا تمام آنها دستوری محسوب می‌شوند. در مثال ۳۱ یکی از همپایه‌ها دارای فاعل مفرد است و دیگری دارای فاعل جمع. همان‌طور که جملات این مثال نشان می‌دهند، در چنین صورتی نیز فعل باید با فاعل همپایه دوم مطابقت کند. احراز این شرط در ۳۱ الف و ج جملات دستوری به دست داده‌است، در صورتی که عدم احراز شرط مزبور سبب نادرستی شدن جمله ۳۱ ب شده‌است.

در آثار دستور زبان فارسی مثال‌های بسیار اندکی از ساختار ارتقاء گره راست زبان فارسی ارائه شده‌است. از این‌رو، در پاسخ‌گویی به پرسش اساسی مطرح در این بخش نمی‌توان از دستورهای پیشین بهره گرفت. ارژنگ (۱۳۹۰: ۸۹) مثال زیر را به‌عنوان نمونه حذف به قرینه لفظی ارائه می‌کند:

(۳۲) حسن به دانشکده پزشکی، و برادرش به دانشکده فنی می‌رود.

مثال فوق نمونه‌ای است از ارتقاء گره راست در زبان فارسی. در این مثال، فعل «می‌رود» با فاعل همپایه پایانی مطابقت کرده‌است. اگر فعل با فاعل هر دو همپایه مطابقت می‌کرد، باید به صورت جمع به کار می‌رفت. علاوه بر این، اگر هر دو حالت امکان‌پذیر بود، باید صورت جمع این فعل نیز بعد از خط مورب آورده می‌شد. بنابراین

صورت جمع فعل در مثال ۳۲ سبب نادرستی شدن جمله می‌گردد. اما این مسأله هنوز حل نشده‌است. به خبر ورزشی زیر دقت کنید:

(۳۲) یک چهارم نهایی مردان ویمبلدون: نوواک جوکوویچ با پیروزی بر توماس بردیچ و خوان مارتین دل پوترو با پیروزی بر داوید فرر به نیمه نهایی رسیدند/ \*رسید.

در جمله فوق، فعل واقع در سمت راست‌ترین جایگاه ساخت همپایگی با فاعل هر دو همپایه مطابقت کرده‌است. در این مثال، برعکس مثال ۳۲، مطابقت فعل تنها با فاعل همپایه دوم (صورت مفرد فعل) سبب نادرستی شدن جمله می‌گردد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا در مثال ۳۲، فعل تنها با فاعل همپایه دوم مطابقت کرده‌است، در صورتی که در مثال ۳۳ مطابقت بین فعل و فاعل هر دو همپایه صورت گرفته‌است و این مطابقت الزامی است. در پاسخ باید گفت که در مثال ۳۲ تنها فعل «رفتن» عنصر مشترک بین همپایه‌هاست، در حالی که در مثال ۳۳، فعل «رسیدن» به همراه یک سازه دیگر (به نیمه نهایی) به عنوان عناصر مشترک همپایه‌ها ایفاگر نقش هستند. از این رو، می‌توان این دیدگاه را مطرح کرد که در ساختار ارتقاء گره راست زبان فارسی تنها در صورتی مطابقت بین فعل و فاعل همپایه دوم صورت می‌گیرد که صرفاً فعل عنصر مشترک بین همپایه‌ها باشد، اما اگر عناصر مشترک بین همپایه‌ها علاوه بر فعل، عناصر همجوار آن را نیز شامل شود، فعل با فاعل هر دو همپایه مطابقت می‌کند و در نتیجه به صورت جمع ظاهر می‌شود. تبیین این ویژگی پژوهش بیشتری را می‌طلبد.

در پایان این بخش ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در رابطه با چگونگی مطابقت فعل و فاعل در ساختار ارتقاء گره راست با ترتیب SOV در سایر زبان‌ها مطالعات محدودی صورت گرفته‌است. برای مثال می‌توان به زبان ترکی اشاره کرد که دومن (۲۰۰۳) و اینجه (۲۰۰۹) با ارائه مثال‌های محدودی ادعا می‌کنند که در آنها فعل با فاعل همپایه پایانی در ساختار ارتقاء گره راست مطابقت دارد.

## ۲-۷- تقابل<sup>۱</sup>

یکی از محدودیت‌های حاکم بر ساختار ارتقاء گره راست، ضرورت وجود رابطه تقابلی در این ساختار است. سازه پیش از هدف ارتقاء گره راست (سازه پیش از عنصر محذوف) در

همپایه نخست ضرورتاً باید به لحاظ معنایی دارای تقابل با همتای خود در همپایه دوم باشد (هارتمن، ۲۰۰۰: ۱۱۴-۱۰۹؛ دومن، ۲۰۰۳، ها، ۲۰۰۷) و عدم وجود چنین رابطه‌ای بین سازه‌های مزبور سبب نادستوری شدن ساختار ارتقاء گره راست می‌گردد.

(۳۴) برادر مهندسی، و خواهر پزشکی دوست دارد.

در جمله ۳۴، به‌عنوان نمونه‌ای از ساختار ارتقاء گره راست، رابطه تقابلی بین «مهندسی» به‌عنوان سازه پیش از هدف در همپایه نخست و همتای آن «پزشکی» در همپایه دوم برقرار است. عدم وجود چنین رابطه‌ای بین سازه‌های مزبور در مثال فوق به نادستوری شدن ساختار ارتقاء گره راست می‌انجامد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که منظور از تقابل چیست. فری<sup>۱</sup> (۲۰۰۶: ۲۴۶) تقابل را به صورت زیر تعریف می‌کند:

اگر عبارت  $\alpha$  در یک جمله خبری دارای تقابل باشد، یقیناً مجموعه‌ای با دست‌کم دو عضو ( $M \geq 2$ ) وجود دارد که  $\alpha$  و عبارت‌هایی که می‌توانستند بالقوه جایگزین  $\alpha$  شوند به آن تعلق دارند.

سازه تقابلی در یک جمله، برجستگی خاصی نسبت به عناصر پیرامون خود دارد. فری اظهار می‌دارد که عضویت در یک مجموعه نیز یکی از شروط دیگر تقابل است. عنصر تقابلی باید به مجموعه‌ای که دست‌کم دارای دو عضو است، تعلق داشته باشد و این مجموعه باید دارای اعضای محدود باشد. به بیانی دیگر، مجموعه باید مجموعه‌ای بسته باشد. از این‌رو، سازه تقابلی در یک جمله دارای تقابل با سایر اعضای مجموعه خود است و هریک از آن اعضا به صورت بالقوه می‌توانستند جایگزین سازه تقابلی گردند. شایان توجه است که اگر اعضای مجموعه محدود نباشد (مجموعه، مجموعه‌ای باز باشد)، آن عنصر دیگر تقابلی نیست، بلکه صرفاً بیانگر اطلاع نو است (مولنار، ۲۰۰۲: ۲۰۰۶).

اکنون به بررسی مفهوم تقابل در ساختار ارتقاء گره راست برمی‌گردیم. در مثال ۳۴، «پزشکی» و «مهندسی» کانون تقابلی به حساب می‌آیند، زیرا رابطه تقابلی بین آنها برقرار است و آنها نسبت به عناصر پیرامون خود برجستگی بیشتری دارند. این عبارت‌ها به یک مجموعه بسته تعلق دارند، یعنی مجموع رشته‌هایی که برادر و خواهر گوینده می‌توانستند به آنها علاقه داشته باشند، محدود بوده و در یک مجموعه قرار دارند. هریک از اعضای آن مجموعه به صورت بالقوه می‌توانستند جایگزین آنها در مثال ۳۴ شوند. دو

1. Féry  
2. Molnár

سازه به لحاظ معنایی یکسان، نمی‌توانند با یکدیگر در تقابل باشند. ساختار ارتقاء گره راست در مثال زیر را در نظر بگیرید:

(۳۵) \*در دانشگاه علی زبان، و مریم زبان عمومی تدریس می‌کند.

در جمله ۳۵ سازه پیش از هدف ارتقاء گره راست در همپایه نخست (زبان) و همتای آن در همپایه دوم (زبان عمومی) سازه‌های کانونی به حساب می‌آیند. از آنجاکه این سازه‌های کانونی به لحاظ معنایی یکسان‌اند، نمی‌توانند با یکدیگر در تقابل باشند و همین امر سبب نادستوری شدن این جمله شده‌است.<sup>(۵)</sup> در مثال زیر، با وجود اینکه سازه‌های کانونی یکسان نیستند، برقراری رابطه تقابلی بین آنها ممکن نیست:

(۳۶) \*مادرم کیک، و پدرم یخچال درست کرد.

دلیل نادستوری بودن جمله ۳۶ این است که سازه‌های «کیک» در همپایه نخست و «یخچال» در همپایه دوم، به‌عنوان سازه‌های کانونی ساختار ارتقاء گره راست به حوزه‌های معنایی متفاوتی تعلق دارند و از این‌رو، نمی‌توانند با یکدیگر در تقابل باشند. در صورتی که سازه‌های کانونی در مثال فوق به حوزه‌های معنایی یکسانی تعلق داشته باشند، امکان برقراری رابطه تقابلی بین آنها میسر می‌گردد. در مثال ۳۷، سازه کانونی همپایه دوم جمله ۳۶ تغییر یافته و همین امر سبب دستوری شدن ساختار ارتقاء گره راست شده‌است، زیرا «کیک» در همپایه نخست و «سالاد» در همپایه دوم به‌عنوان سازه‌های کانونی ساختار مزبور به حوزه معنایی یکسانی تعلق دارند و می‌توانند با یکدیگر در تقابل باشند:

(۳۷) مادرم کیک، و پدرم سالاد درست کرد.

جان کلام این بخش این است که سازه‌های کانونی (در همپایه‌های غیرپایانی و پایانی) ارتقاء گره راست ضرورتاً باید با یکدیگر دارای رابطه تقابلی باشند. نبود چنین رابطه‌ای بین سازه‌های کانونی، خواه به دلیل یکسان بودن آنها و خواه به دلیل تعلق آنها به حوزه‌های معنایی مختلف، به نادستوری شدن ساختار ارتقاء گره راست می‌انجامد.

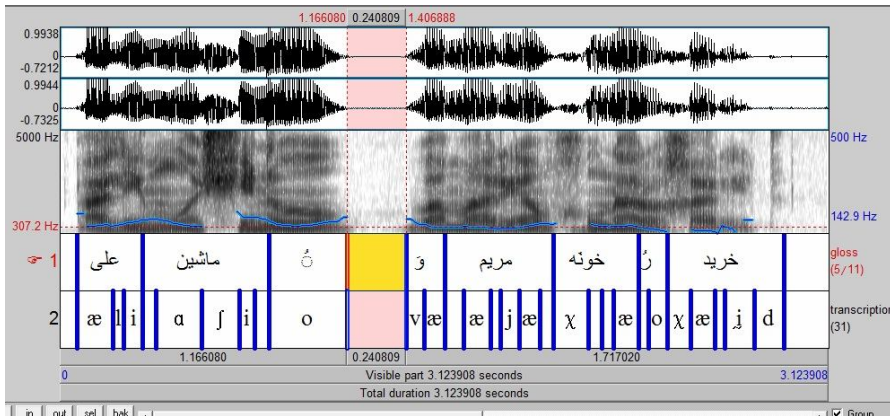
## ۲-۸- نوای گفتار<sup>۱</sup>

از طریق نوای گفتار می‌توان یکی از ویژگی‌های متمایز ارتقاء گره راست را شناسایی کرد. به عقیده یانجنبرگر و هوون<sup>۲</sup> (۱۹۹۱)، هر وقفه‌ای در یک پاره‌گفتار روان<sup>۳</sup> که بیش از

1. prosody
2. Jongenburger and Heuven
3. fluent utterance

دویست هزارم ثانیه طول بکشد، مکث تلقی می‌شود. برای تعیین اینکه جایگاه حذف در جمله ۳۸ پس از مکشی در گفتار قرار گرفته است یا خیر، به طیف‌نگاشت آن مراجعه شده‌است:

(۳۸) علی ماشین، و مریم خونه رو خرید.



طیف‌نگاشت مثال ۳۸ نشان می‌دهد که در فاصله زمانی ۱/۱۶۶ تا ۱/۴۰۶، دویست و چهل هزارم ثانیه سکوت وجود دارد که نمایانگر وقوع مکث پیش از جایگاه حذف است. ساختار ارتقاء گره راست افزون بر ویژگی فوق، ویژگی‌های نوایی دیگری نیز دارد که در برخی از مطالعات انجام‌شده به آنها اشاره شده‌است. برای مثال، ها (۲۰۰۸) معتقد است که در ساختار ارتقاء گره راستی چون مثال ۳۸، سه نکته شایان توجه است: نخست آنکه در این جمله دست‌کم دو گروه آهنگ<sup>۱</sup> وجود دارد. گروه آهنگ نخست به‌صورت خیزان محسوس ختم می‌شود و از این‌رو، شنونده درمی‌یابد که گفتار ادامه دارد. دوم آنکه نواخت مرزما<sup>۲</sup> در پایان همپایه نخست این ساختار بارزتر از ساختارهای غیرارتقاء گره راست است؛ این بدان معناست که در ارتقاء گره راست شنونده درمی‌یابد که عناصری برای تکمیل عناصر محذوف در همپایه نخست در ساختار بازنمایی خواهند شد و جایگاه آنها مشخصاً در جایگاه پایانی همپایه دوم خواهد بود. سوم آنکه، تغییر زیر و بمی در عنصر مشترک همپایه‌ها (خرید) بسیار محسوس است، طوری که نواخت مرزما در همپایه پایانی

1. intonational phrase
2. boundary tone



با زیر و بمی خیزان آغاز و با زیر و بمی افتان پایان می‌یابد. همین تغییر زیر و بمی در پایان ساختار ارتقاء گره راست، این نوع ساختار را از سایر ساختارها متمایز می‌سازد.

## ۲-۹- تبعیت از جزیره<sup>۱</sup>

با مطالعه پیشینه تحقیق پیرامون قاعده ارتقاء گره راست در می‌یابیم که این قاعده از بسیاری از جزیره‌ها تبعیت نمی‌کند (در این میان می‌توان به ابلز،<sup>۲</sup> ۲۰۰۴؛ بشکوویچ، ۲۰۰۴؛ هارتمن، ۲۰۰۰؛ راس ۱۹۶۷؛ ویکسلر و کالیکاور،<sup>۳</sup> ۱۹۸۰؛ وایلد، ۱۹۹۵؛ نیت،<sup>۴</sup> ۱۹۷۹ و آن، ۲۰۰۷ اشاره کرد). جملات زیر را در نظر بگیرید:

(۳۹) علی هم این واقعیت را قبول دارد (که) پدری که بچه‌ش، و مردی که زنش کتک بزند دیوانه است.

(۴۰) برای علی سؤال است که کی رئیس جمهور، و برای مریم سؤال است که کی نخست‌وزیر می‌شود.

در جملات ۳۹ و ۴۰ به ترتیب جزیره گروه اسمی مرکب و جزیره پرسش‌واژه قرار دارد. جزیره‌ها بافت‌هایی هستند که حرکت هر عنصری از درون آنها به نادرستی شدن جمله می‌انجامد. در جمله ۳۹ عنصر مشترک در همپایه نخست در درون یک گروه اسمی و یا بند موصولی قرار دارد که جزیره محسوب می‌شود. عنصر مشترک در همپایه نخست جمله ۴۰ نیز در درون جزیره پرسش‌واژه واقع شده است. از این رو، می‌توان ادعا کرد که ارتقاء گره راست از محدودیت‌های جزیره تبعیت نمی‌کند و در اشتقاق ساختار ارتقاء گره راست، فرایند حرکت دخیل نیست، زیرا در جملات فوق خلأ در درون جزیره واقع شده است و می‌توان فرض کرد عناصر مشترک در این جملات از درون جزیره خارج نشده‌اند.

## ۳- تحلیل‌های ارائه شده درباره ارتقاء گره راست

به‌طور کلی در خصوص ارتقاء گره راست سه تحلیل متفاوت ارائه شده است که عبارت‌اند از: ۱- ارتقاء گره راست به‌منزله حاصل حرکت متوازی؛ ۲- ارتقاء گره راست به‌منزله حاصل فرایند حذف؛ ۳- ارتقاء گره راست به‌منزله اشراف چندگانه. شایان توجه است که

1. island sensitivity
2. Abels
3. Wexler and culicover
4. Neijt

از تحلیل نخست به تحلیل «در جای برون»<sup>۱</sup> یاد می‌کنند، در صورتی که تحلیل‌های دوم و سوم به تحلیل‌های «در جای اصلی»<sup>۲</sup> معروف‌اند. تحلیل نخست که از سوی افرادی مانند راس (۱۹۶۷)، پستال (۱۹۹۸) و سبتاق (۲۰۰۷) ارائه شده‌است، مدعی است که هدف یا عنصر مشترک در ساختار ارتقاء گره راست از طریق حرکت متوازی در سمت راست ساخت همپایگی افزوده می‌گردد. به بیانی دیگر، در یک ساختار ارتقاء گره راست، در هر همپایه یک تصویر از هدف یا عنصر مشترک وجود دارد و هر دوی این تصاویر از طریق حرکت متوازی در سمت راست ساخت همپایگی افزوده می‌شوند. جان کلام تحلیل دوم که از سوی افرادی مانند وکسلر و کالیکاور (۱۹۸۰)، هارتمن (۲۰۰۰)، ها (۲۰۰۶، ۲۰۰۷) و اینجه (۲۰۰۹) ارائه شده‌است، آن است که در ساختار ارتقاء گره راست تصویر هدف یا عنصر مشترک در همپایه نخست به قرینه تصویر هدف یا عنصر مشترک در همپایه دوم حذف می‌گردد. شایان توجه است که این حذف در صورت آوایی انجام می‌شود. برپایه تحلیل سوم که افرادی مانند وایلدنر (۱۹۹۹، ۲۰۰۸)، وریس<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) و ابلز (۲۰۰۴) آن را طرح‌ریزی کرده‌اند، تنها یک تصویر از هدف یا عنصر مشترک در ساختار ارتقاء گره راست وجود دارد که در هریک از همپایه‌ها تحت اشراف یک گره مادر قرار دارد. طبق این تحلیل که مفهوم اشتراک را القا می‌کند، در ساختار ارتقاء گره راست هدف یا عنصر مشترک در همپایه نخست ادغام<sup>۴</sup> و در همپایه دوم بازادغام<sup>۵</sup> می‌شود.

#### ۴- نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی ویژگی‌های اصلی ارتقاء گره راست در زبان فارسی اختصاص دارد. مهم‌ترین نتایج حاصل از این بررسی عبارت‌اند از: ۱- هسته اصلی ارتقاء گره راست در منتهی‌الیه سمت راست ساخت همپایگی بازنمایی می‌گردد؛ ۲- ارتقاء گره راست در زبان فارسی قادر است علاوه بر سازه‌ها، ناسازه‌ها را نیز مورد هدف قرار دهد؛ ۳- امکان وقوع ارتقاء گره راست در ساخت همپایگی زبان فارسی با هر حرف ربطی وجود دارد؛ ۴- ابقای حرف اضافه در ساختار ارتقاء گره راست زبان فارسی مردود است؛ ۵- امکان جداسازی

1. ex-situ analysis
2. in-situ analysis
3. Vries
4. merge
5. remerge

متمم پرسش‌واژه از پرسش‌واژه در ساختار ارتقاء گره راست وجود دارد، درحالی‌که چنین جداسازی‌ای در ساختار غیرارتقاء گره راست مردود است؛ ۶- در ساختار ارتقاء گره راست زبان فارسی، فعل در شرایطی تنها با فاعل همپایه دوم مطابقت می‌کند و در شرایطی دیگر، با فاعل هر دو همپایه؛ ۷- سازه پیش از هدف ارتقاء گره راست در همپایه نخست ضرورتاً باید به لحاظ معنایی دارای تقابل با همتای خود در همپایه دوم باشد؛ ۸- در ساختار ارتقاء گره راست پیش از جایگاه حذف، مکث وجود دارد؛ ۹- ارتقاء گره راست در زبان فارسی از برخی از جزیره‌ها تبعیت نمی‌کند. با بهره‌گیری از برخی از این ویژگی‌ها می‌توان استدلال کرد که در اشتقاق ارتقاء گره راست زبان فارسی فرایند حرکت دخیل نیست.

### پی نوشت:

۱- به منظور اجتناب از خلط واژگان تخصصی، جهت خط فارسی در تجزیه و تحلیل داده‌ها از سمت چپ به راست در نظر گرفته شده‌است.

۲- جملات ۱-۲ از متن سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجلاس غیرمعهدها (شهریور ۱۳۹۱) و جملات ۳-۴ از متن سخنرانی رئیس جمهوری در اجلاس مکه (مرداد ۱۳۹۱) استخراج شده‌اند.

۳- پستال ارتقاء گره راست را به‌منزله قاعده‌ای در نظر می‌گرفت که از طریق آن عناصر یکسان واقع در حاشیه راست همپایه‌ها از طریق حرکت متوازی در سمت راست ساخت همپایگی افزوده می‌شدند. برای مثال در جملات زیر، جمله الف صورت زیرساختی است که در اثر اعمال قاعده ارتقاء گره راست، صورت روساختی آن، یعنی جمله ب حاصل شده‌است:

[[John saw the book] and [Bill bought the book]] (الف)

[[John saw ei ] and [Bill bought ei ]] the booki (ب)

در مطالعات متأخر، ارتقاء گره راست نه به‌منزله یک قاعده، بلکه نوعی ساختار به حساب می‌آید و درخصوص آن نیز تحلیل‌هایی صورت گرفته‌است که در بخش ۳ به آنها اشاره خواهد شد.

۴- از ارائه مثال‌های متنوع با دوم شخص مفرد و جمع به دلیل نتایج یکسان خودداری شد، زیرا در هر صورت در ساختار ارتقاء گره راست زبان فارسی، فعل تنها با فاعل همپایه پایانی به لحاظ شخص و شمار مطابقت دارد.

۵- در جمله ۳۵ از واژه «زبان» می‌توان دو معنی «زبان عمومی» و «زبان تخصصی» را برداشت کرد. اگر مراد گوینده در این مثال «زبان عمومی» باشد، یک جمله ناندستوری شکل گرفته‌است و اگر مراد گوینده «زبان تخصصی» باشد، جمله دستوری خواهد بود؛ زیرا در این معنی، رابطه تقابلی بین سازه پیش از هدف ارتقاء گره راست و همتای آن در همپایه دوم برقرار است، درحالی‌که در معنی نخست چنین رابطه‌ای برقرار نیست. نگارنده در این بخش جمله ۳۵ را در معنی نخست تحلیل کرده‌است.

### ۵. منابع

ارژنگ، غلامرضا (۱۳۹۰)، *ویرایش زبانی: برای زبان نوشتاری فارسی امروز*، تهران: قطره.  
شعبانی، منصور (۱۳۹۰)، *خلأ نحوی در زبان فارسی: رویکردی کمینه‌گرا*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

Abbott, B (1976), Right Node Raising as a Test for Constituenthood. *Linguistic Inquiry* 7:639-642.

Abels, Klaus (2003), Successive cyclicity, anti-locality, and adposition stranding. Ph.D. dissertation, University of Connecticut, Storrs.

———— (2004), Right Node Raising? Ellipsis or ATB Movement? In Keir Moulton, A. M. W. E. (Ed.) *Proceedings of the 34th North East Linguistics Society*. GLSA Publication, Umass, Amherst.

Alzaidi, M.S (2010), Gapping and right node raising: An LFG Approach. M.A. thesis. University of Essex.

An, Duk-Ho (2007), Syntax at the PF Interface: Prosodic Mapping, Linear Order, and Deletion. Ph.D. dissertation. University of Connecticut.

Bošković, Željko (2004), Two notes on right node raising. In *University of Connecticut Working Papers in Linguistics* 12, ed. Miguel Rodriguez Mondonedo and M. Emma Ticio, 13-24. Department of Linguistics, University of Connecticut, Storrs.

Bresnan, J.W (1974), The position of certain clause-particles in phrase structure, *Linguistic Inquiry* 5, 614-619.

Duman, B (2003), Right Node Raising & Turkish. MA Thesis. Tilburg University.

Frey, W (2006), Contrast and movement to the German prefield In: Molnár, V., Winkler, S. (Eds.), *Architecture of Focus*. Studies in Generative Grammar, vol. 82. Mouton de Gruyter, Berlin/New York, 235-264.

Ha, Seungwan (2006), Multiple Dominance CAN'T, but Ellipsis CAN account for Right Node Raising. In *Proceedings of the Chicago Linguistics Society (CLS)* 42. Chicago: Chicago University Press.



- \_\_\_\_\_ (2007), Contrastive Focus: Licensor for Right Node Raising. Proceedings of the 37th North East Linguistic Society. GLSA. Amherst, Umass.
- \_\_\_\_\_ (2008), Ellipsis, Right Node Raising, and Across-the-Board Constructions. PhD dissertation, Graduate School of Arts AND Sciences. Boston University.
- Hartmann, K (2000), Right Node Raising and Gapping: Interface Conditions on Prosodic Deletion. John Benjamins, Amsterdam, The Netherlands.
- Ince, A (2009), Dimensions of Ellipsis: Investigations in Turkish. Ph.D. dissertation. University of Maryland, College Park.
- Jongenburger, W. and Vincent van Heuven (1991), The Distribution of (Word Initial) Glottal Stop in Dutch. Retrieved January 2011, from the Official Website of Leiden University [https://openaccess.leidenuniv.nl/bitstream/1887/2566/.../167\\_039.pdf](https://openaccess.leidenuniv.nl/bitstream/1887/2566/.../167_039.pdf)
- Kluck, M (2007), The Perspective of External Reemergence on Right Node Raising. Proceedings of CamLing, 130-137.
- Larson, R (1990), Double objects revisited: reply to Jackendoff, Linguistic Inquiry 21: 589-632.
- McCloskey, J (1986), Right Node Raising and Preposition Stranding. Linguistic Inquiry, 17, 183-186.
- Molna'r, V (2002), Contrast from a contrastive perspective. Information Structure in a Cross-linguistic Perspective, 147-161, Editions Rodopi.
- \_\_\_\_\_ (2006), On different kinds of contrast. In: Molna'r, V., Winkler, S. (Eds.), Architecture of Focus. Studies in Generative Grammar, vol. 82. Mouton de Gruyter, Berlin/New York, 197-233.
- Neijt, A (1979), Gapping: A Contribution to Sentence Grammar, Dordrecht: Foris.
- Postal, P (1974), On raising, MIT Press, Cambridge, Massachusetts.
- \_\_\_\_\_ (1998), Three investigations of extraction. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Radford, A (1988), Transformational Grammar: A first Course, Cambridge University Press.
- Ross, J.R (1967), Constraints on variables in syntax. Ph.D. dissertation. MIT. [Published as Infinite Syntax! Norwood, N. J.: Ablex (1986)].
- Sabbagh, J (2007), Ordering and Linearizing Rightward Movement. Natural Language & Linguistic Theory, 25, 349-401.
- Vries, Mark de (2005), Ellipsis in nevenschikking: voorwaarts deleren maar achterwaarts delen. TABU 34, 13-46.

- Wexler, K., and P. Culicover (1980), *Formal principles of language acquisition*. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Wilder, Chris (1994), Coordination, ATB and Ellipsis. In *Minimalism and Kayne's Asymmetry Hypothesis*, C.J.W. Zwart (ed.), 291–329. GAGL 37. Groningen: Rijksuniversiteit Groningen.
- (1995), Some Properties of Ellipsis in Coordination, *Geneva Generative Papers* 2:23–61. Also in A. Alexiadou and T. A. Hall (eds), *Studies on Universal Grammar and Typological Variation*. Amsterdam: Benjamins, 59–107.
- (1999), Right Node Raising and the LCA. In *Proceedings of WCCFL 18*, ed. by Sonja Bird, Andrew Carnie, Jason D. Haugen and Peter Norquest, 586–598.
- (2008), Shared constituents and linearization. In *Topics in Ellipsis*, ed. by Kyle Johnson, 229–258.
- Williams, E (1990), The ATB theory of parasitic gaps, *The Linguistic Review* 6: 265–279.
- Wyngaerd, G. Van den (2007), *Gapping Constituents: a Revised Version of 1998 Version*. Ms.FWO/KU Brussel, available at <http://lirias.hubrusssel.be/handle/123456789/2332>.

Archive of SID